

به تصویرها توجه کنید





دانش آموزان عزیز، در صفحه‌ی قبل چند تصویر مشاهده کردید. حالا شما هم چند مورد از احترام و قدرشناسی نسبت به بزرگ‌ترها و همکاری در خانه را، مانند نمونه بنویسید.

قدرشناسی

..... قدرشناسی با دادن یک شاخه‌ی گل.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

کمک کردن

.....

.....

.....

.....

.....

احترام

.....

.....

.....

.....

.....

درس اوّل
بازگشت از سفر



امروز در خانه‌ی مجید و مینا، جنب و جوش زیادی بود. چون پدر بزرگ و مادر بزرگ از سفر برمی‌گشتند. آن‌ها برای زیارت به مشهد رفته بودند.

در این سفر، پدر مجید و مینا نیز همراهشان بود تا به آن‌ها کمک کند. مجید و مینا در انجام کارهای خانه به مادرشان کمک کردند و همه چیز برای ورود مسافران آماده شد.

زنگ در به صدا درآمد. مجید با عجله به سمت در رفت. بعد از سلام و احوال‌پرسی گفت: «زیارت قبول!» سپس چمدان‌ها را از پدر گرفت. مینا هم به استقبال آن‌ها آمد و به پدر بزرگ و مادر بزرگ کمک کرد تا وارد خانه شوند.

بعد از کمی استراحت، پدر بزرگ و مادر بزرگ از پدر به خاطر کمک‌هایش در این سفر تشکر کردند. مجید که کنار آن‌ها نشسته بود و به حرف‌هایشان گوش می‌کرد، به مادر گفت: «من هم دوست دارم مثل پدر باشم. همیشه به افراد سالمند کمک کنم، به آن‌ها احترام بگذارم و قدر زحمت‌هایشان را بدانم.»

مادر گفت: «آفرین پسر! وجود سالمندان در خانه بسیار با ارزش است. زیرا آن‌ها برای ما زحمت‌های زیادی کشیده‌اند. سالمندان می‌توانند، با استفاده از تجربه‌های خود، ما را راهنمایی کنند و در حل مشکلات به ما یاری دهند.»



فکر کنید و پاسخ دهید



- ۱- پدر چگونه به پدر بزرگ و مادر بزرگ کمک کرد؟
- ۲- در خانواده برای حل مشکلات از چه کسانی راهنمایی می‌خواهیم؟
- ۳- آیا در خانواده‌ی شما افراد سالمند وجود دارند؟ نام آن‌ها را بنویسید.

فعالیت‌های تکمیلی



– مناسبت‌های زیر را در تقویم پیدا کنید و تاریخ آن‌ها را بنویسید:

روز مادر:

روز پدر:

– اگر شما به مشهد بروید، برای بزرگ‌ترهای خانواده چه سوغاتی می‌آورید؟

نخود و کشمش

جانماز

اسباب بازی

زعفران

– روز مادر، برای تشکر از او، کدام یک از کارهای زیر را انجام می‌دهید؟

تمام کارهای خانه
را انجام می‌دهم

مادرم را در
آغوش می‌گیرم
و از او تشکر
می‌کنم

با کمک اعضای
خانواده، جشن
کوچکی را برگزار
می‌کنم

هدیه‌ای برای
مادرم تهیه می‌کنم

برای او یک
نقاشی می‌کشم

– در زیر، چند نمونه از کلمات مؤدبانه را می بینید. با توجه به هر تصویر، کلمه‌ی



مناسب را در جای خالی بنویسید.

خواهش می‌کنم – بفرمایید – متشکرم

روی صندلی بنشینید.....



از هدیه‌ی زیبای شما



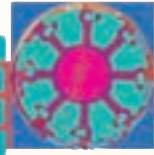
آن پارچه

را به من بدهید.

– دانش‌آموزان عزیز، با نظارت مربی خود، نمایش کوتاهی در کلاس اجرا کنید

که در آن، از کلمات مؤدبانه استفاده شده باشد.

به تصویرها توجه کنید





دوم

درس

تقسیم کارها



روز جمعه بود. مینا و مجید تصمیم گرفتند که از پدر و مادر خود بخواهند، همه با هم به پارک بروند. آن‌ها نزد مادر رفتند و به او گفتند: «مادر جان آیا امروز می‌توانید ما را به پارک ببرید؟»

مادر گفت: «نه بچه‌ها، ما امروز می‌خواهیم خانه را نظافت کنیم.»
مجید گفت: «ولی مادر، امروز که تعطیل است و روز گردش و استراحت.»
مادر گفت: «درست است پسر، ولی گاهی اوقات در روزهای تعطیل باید به انجام کارهای خانه پرداخت.»

مینا گفت: «پس من و مجید می‌رویم تا تلویزیون تماشا کنیم.»
مادر گفت: «دخترم، شما هم باید در کارها به ما کمک کنید.»
مجید گفت: «ولی مادر، ما چگونه می‌توانیم به شما کمک کنیم؟»
مادر در جواب گفت: «وقتی که من پرده‌ی اتاق شما را می‌شویم، تو و مینا می‌توانید شیشه و دیوارها را تمیز کنید، جارو و گردگیری کنید و همین‌طور، وسایل اضافی خود را جمع‌آوری کنید.»

مجید گفت: «مادر جان، من می‌خواهم کارهایم را زودتر انجام دهم تا بتوانم، در تمیز کردن حیاط و باغبانی نیز به پدر کمک کنم.»
مینا گفت: «من هم بعد از نظافت اتاق، لباس‌های شسته شده را اتو می‌کنم و در کمد می‌گذارم.»

مادر گفت: «فکر خوبی است. هر فردی باید کارهای شخصی خود را انجام دهد و در کارهای خانه، به دیگران نیز کمک کند. در این صورت، کارها بین اعضای خانواده تقسیم می‌شوند و همه یاد می‌گیرند که چگونه وظایف خود را انجام دهند.»

فکر کنید و پاسخ دهید



- ۱- آیا شما در خانه به دیگران کمک می‌کنید؟
- ۲- چند مورد از کارهای شخصی خود را نام ببرید؟
- ۳- آیا در انجام کارهای شخصی خود، از دیگران هم کمک می‌گیرید؟ از چه کسانی؟
- ۴- اگر در خانه هر کس وظایف خود را انجام ندهد، چه پیش می‌آید؟

فعالیت‌های تکمیلی



- در جای خالی کلمه‌ی مناسب بنویسید.
- من هر روز را مرتب می‌کنم.
- ما باید در کارهای خانه به کمک کنیم.
- جمعه روز استراحت و است.

– من کارهای شخصی زیر را انجام می‌دهم:

هر روز جورابم را
می‌شویم

کتاب‌هایم را
سرجایشان می‌گذارم

.....
.....
.....

هر شب مسواک
می‌زنم

.....
.....
.....

.....
.....
.....

– من وظایف زیر را در خانه انجام می دهم:

۱– به گل ها و گیاهان آب می دهم.

۲– سفره را می چینم.

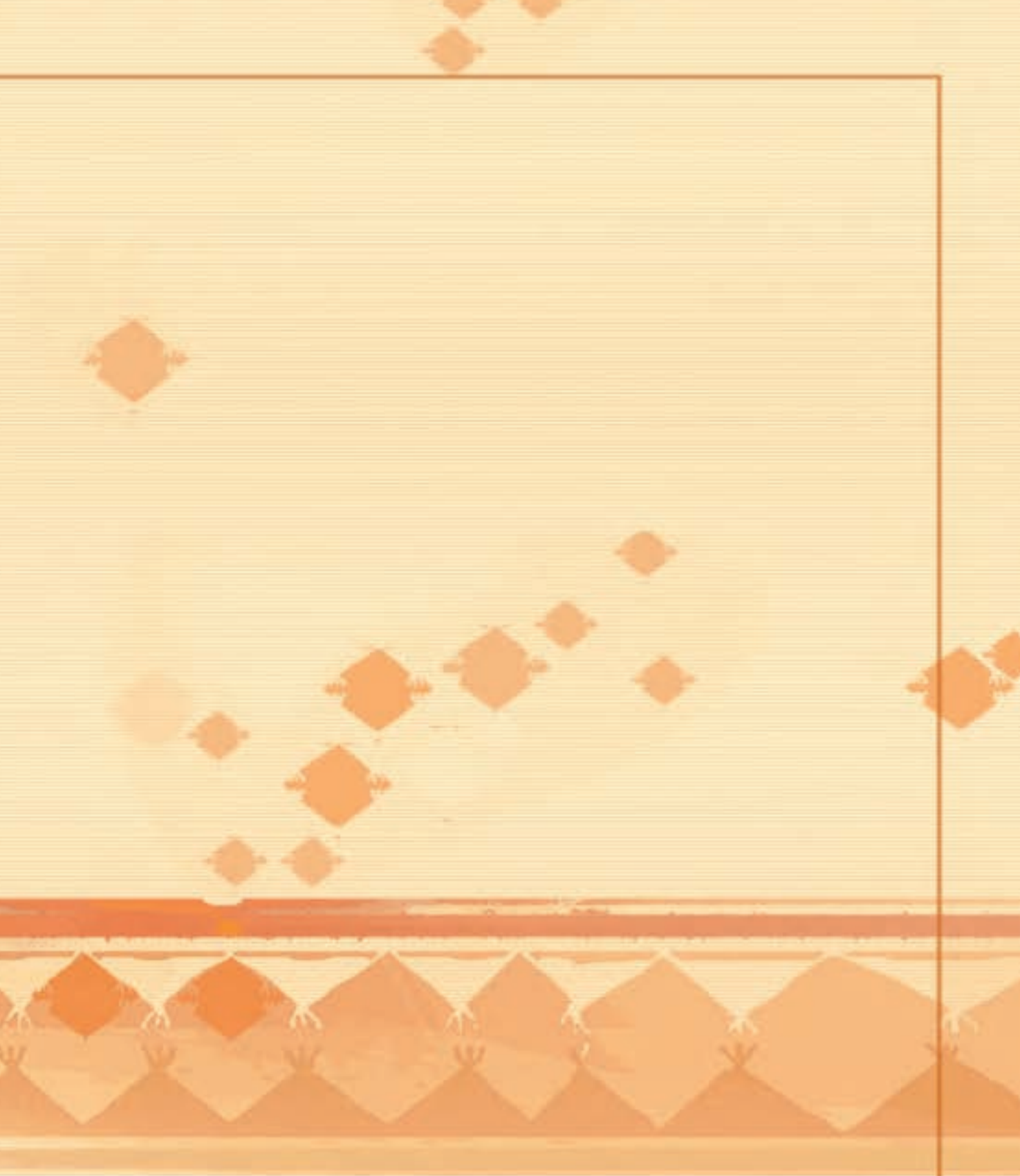
۳– در نظافت خانه کمک می کنم.

–۴

–۵

–۶

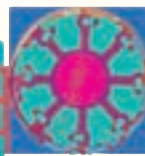




فصل دوم



به تصویرها توجه کنید



دانش‌آموزان عزیز، کارهایی را که در تصویرها می‌بینید، با نظارت مربی خود در کلاس انجام دهید.





درس سؤم

قصة مريم



مریم ناگهان از خواب پرید و به ساعت دیواری اتاق نگاه کرد. خیلی دیر شده بود. بنابراین با عجله رختخوابش را جمع کرد. اصلاً حواسش نبود که جورابش را همراه با رختخوابش جمع کرده است.

به طرف آشپزخانه رفت و سماور را روشن کرد. سپس خواهر کوچکترش، زهره را بیدار کرد. وقتی زهره بیدار شد، سراغ مادر را از مریم گرفت. مریم برای او توضیح داد که مادر برای به دنیا آوردن نوزاد جدید به بیمارستان رفته است. زهره خیلی خوشحال شد. مریم از زهره خواست، دست و صورتش را بشوید. سپس موهای زهره را شانه کرد. در حال بافتن موهای او بود که متوجه شد، از آشپزخانه بوی سوختگی می‌آید. خود را سریع به آشپزخانه رساند. با دیدن دودی که از سماور بلند می‌شد، یادش آمد که در سماور آب نریخته است. سماور را خاموش کرد. مقداری نان و پنیر





برای زهره برد، ولی خودش از خوردن صبحانه منصرف شد.
مریم تصمیم گرفت به خرید برود و مقداری سبزی و میوه بخرد. هر چه به دنبال
جوراب‌هایش گشت، آن‌ها را پیدا نکرد. بنابراین از خرید رفتن نیز صرف نظر کرد.
با خود گفت: «بهتر است تا دیر نشده اتاق‌ها را جارو کنم.» در حال جارو کردن اتاق
بود که نگاهش به ساعت افتاد، وقت آمدن پدرش بود و او هنوز برای ناهار غذایی درست
نکرده بود. جارو را به زمین انداخت و با عجله به آشپزخانه رفت تا املت درست کند.
وقتی پدر به خانه برگشت، با تعجب اتاق را نامرتب و شلوغ دید. جارو هم وسط
اتاق بود. زهره برای سلام کردن جلو آمد. پدر با دیدن موهای او که یک طرف آن‌ها
بافته شده و طرف دیگر آن‌ها باز بود، خنده‌اش گرفت.
بچه‌ها با کمک پدر سفره را پهن کردند. مریم در حال خوردن غذا بود که متوجه شد،
غذا شیرین است. فهمید آن قدر عجله داشته که در غذا به جای نمک، شکر ریخته است!
مریم با خود فکر کرد که چرا نتوانسته است، کارهایش را به خوبی انجام دهد.
نظر شما راجع به کارهای مریم چیست؟